روحیات

ابن الدین، عبدالحسین

دین از نظر اجتماعی-بزرگترین وسیله ترقی و انحطاط و مهمترین عامل انقلابات عالم دین است.بسیاری از مقدرات سیاسی‏ و ادبی و اجتماعی عالم مبتنی بر تأسیسات دینی است هیچ قوهء نیرومندتر از قوه دیانت در اصلاح حال اجتماع نیست زیرا اساس اجتماع مربوط باحساسات و عواطف است و یگانه چیزیکه در آنها تأثیرات عمیقه دارد دین است نژاد و لغت و وطن و امثال اینها نمیتواند جامع طوائف و عقائد مختلفه باشد زیرا گروهیکه از جهت دین با یکدیگر مختلفند هیچ جامعی‏ ندارند و آنانکه از جهت دین متحدند بزرگترین رابطه را دارا هستند کسانیکه با قوه آهنین دیانت نبرد می‏نمایند جز رنجه کردن دست و بازوی خود نتیجه نخواهند برد آنها که اعلان بی‏دینی میکنند بدانند که نگهبان جمعیت آنها دین دیگران است و از آنروز که انبوهی‏ از مردم با آنها هم‏عقیده شوند و یک جمعیت سراپا بی‏دین تشکیل‏ دهند اولین روزی است که جمعت آنها پراکنده و روی بزوال و اضمحلال گذارند

دین فطری انسانست و از اولین روز در نهاد آدمیت و بشریت‏ بوده و هیچ‏گاه از وی جدا نخواهد گردید تنها حکومتیکه همیشه باقی‏ است حکومت دین است-اگر چند روزی دستخوش بیخردانی چند شده و در یک محیطی محکوم خیالهای باطل آنان گردیده باز بحکومت‏ اولیه خود بازگشت خواهد نمود-بحران لادینی در قرن نوزدهم‏ بود دیدیم که بقا و ثباتی نداشت و قوه دین وی را نابود ساخت

ملت دین‏دار چندان نیازمند به تشکیلات و تأمینات نیست و از تأسیسات قضائی بی‏نیاز است این بودجه‏های مهم که روزبروز به تشکیلات اداری و قضائی میافزاید از اشاعه بی‏دینی است و این‏ قوانین پی‏درپی که بر سختی کارها میافزاید آب از سرچشمه بی‏دینی میخورد راستی و درستی و عاطفه و نوع پرستی و دیگر خصلت‏های‏ پسندیده از دبن است-مرد دین‏دار با هر پیش‏آمد ناگوار نبرد نموده‏ و پیش‏آمدها را از هر نوع که باشد با خورسندی تلقی مینماید-حس‏ بدبینی از وی سلب شده و با هرچه مواجه شود آن‏را از جانب خالق‏ حکیم می‏داند و با مصلحت خویش تطبیق مینماید

ناتوانی و توانائی تنگدستی و بی‏نیازی مرض و تندرستی ذلت‏ و ارجمندی در نظر وی مساویست و ابن همان سعادتی است که هرکس‏ او را شناخته و نشانخته طلب مینمایذ-در نظر دین‏دار مال و ثروت‏ نفوذ و شخصیت ارج و بهائی ندارد بهترین هستی خود را در مصالح‏ عمومی صرف نموده تمام اعمال و حرکات وی از نظر نوع‏پرستی و خداشناسی است

ولی باید دانست که هر چیزیکه دارای منافع بزرک و بسیار است‏ اگر از حدود و وظایف خود بیرون رفت ضرر او نیز بهمان اندازه بزرک‏ است-این نتایجیکه برای دین ذکر کردیم همه تا وقتی است که‏ دست تصرف بشر در آن دخالت نکرده باشد-این فوائد برای دینی‏ است مانند دین اسلام که دارای بهترین دستورها و قوانین است

دین اسلام تنها دینی است که از جهت اصول عقاید و معارف حقه‏ و قوانین هفته بر تمام ادیان عالم برتری دارد-بلکه بهیچوجه قابل‏ مقایسه نیست

پس امروز بر ما لازم است که دست از این نواهای گوناگون‏ برداریم و در؟لواء جامع اسلام درائیم و هرکسی که جز این سخن‏ گوید او را عاری از خرد بلکه مفسد و خائن مملکت بدانیم